

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

بخش اول: آزادی

صحبت ما در این نوشته در مورد آزادی است. همیشه و هر زمان خواستید در مورد چیزی بخوانید یا فکر کنید، قبل از این کار، تلاش کنید جای آن موضوع را در زندگی روزمره خودتان پیدا کنید.

موضوع اکنون ما آزادی است، کمی در مورد واژه‌ی "آزادی" تامل کنید. از خودتان بپرسید، آزادی یعنی چه؟ بعد با خودتان مرور کنید من چه زمان‌هایی آزاد هستم؟ بعد به زمان‌هایی که آزاد بودید فکر کنید. زمان‌هایی که خودتان و با اراده‌ی خودتان کاری را انجام دادید؛ خوب یا بد. اصلاً ارزش‌گذاری نکنید. صرفاً به انجام دادن فعل فکر کنید. اینکه شما خواستید و انجامش دادید. شما خواستید. شما انجامش دادید. به "خواستن" فکر کنید. "خواستن" یعنی اینکه چیزی را در درونتان طلب کردید. یعنی نیاز به آن چیز را در درونتان احساس کردید. نیاز به انجام یک چیز. بعد از "خواستن"، "انجام دادن" است. یعنی وقتی که ما چیزی را می‌خواهیم انجام دهیم، همواره این امکان نیست تا بتوانیم همان خواسته را انجامش دهیم. همیشه بین خواستن ما و توانستن برای انجام آن چیزی که دلمان می‌خواهد انجام بدهیم؛ یک سری فاصله‌هایی هست. به این فاصله‌ها فکر کنید؟ چه فاصله‌هایی را به خاطر می‌آورید؟ به یک "فعل" فکر کنید که متناسب با خواستن شما باشد. مثلاً الان توی اتاقان نشسته‌اید و گرسنه‌اید و می‌خواهید خودتان را سیر کنید. خب اول میل "خوردن" در شما فعال شده است. بعد چون آدم خوشمزه خوری هستید، دوست دارید با یک چیز خوشمزه خودتان را سیر کنید، از طرفی چون رعایت سلامت غذا زیاد برایتان مهم نیست، به سراغ غذاهای فست فودی می‌روید. بسیار عالی، می‌خواهید پیتزای گوشت بزرگ بخرید و بخورید. در همان لحظه و در همان مدت کوتاه بدون اینکه دقت کنید ذهن شما به هزارجا می‌رود. اینکه از کدام فست فودی بخرید؟ اینکه بروید آنجا بخورید یا بیاورند برای شما درب منزل؟ اگر بخواهید بروید آنجا، آیا تنها بروید یا به دوستی اطلاع دهید؟ اگر در خانه بخورید، تنها بخورید یا به دوستان هم خبر بدهید؟ حتی به این فکر می‌کنید که پول نقد در خانه دارید یا ندارید؟ اگر دارید به اندازه‌ای هست که یک نوشیدنی هم بگیرید یا نه؟ اگر ندارید و باید بروید از کارتخوان بگیرید، آیا می‌دانید کارت عابر بانکتان کجاست؟ همان‌طور که گفتیم، شما درگیر کلی وضعیت‌های متفاوت برای انجام فعلی ساده هستید تا انجامش بدهید. فعلی که برآمده از یک میل ساده‌ی گرسنگی بود. اینجا لطفاً ادامه‌ی متن ما را نخوانید و کمی مکث کنید، خودتان تمام این صحنه‌ها را با شکل‌های مختلفی تخیل کنید و بعد ادامه دهید.

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

مطمئنیم آن قدر که باید باهوش هستید و متوجه منظورمان در مثال قبل شده‌اید. ابتدای این مطلب، ما در مورد آزادی حرف زدیم. همانی که قرار گذاشتیم کمی در موردش تامل کنید. در یک فرآیند ساده و از همان ابتدا، مشاهده کردیم که همه چیز از میل ما آغاز شد و تحرکات بعدی ما تلاشی بود برای رفع آن خواسته و نیاز. بین "میل" و "نیاز" ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. میل، کششی درونی در نهاد ماست که ما را به سمت احتیاجاتمان سوق می‌دهد. کاری می‌کند که برویم و نیازهایمان را رفع کنیم. به امیالتان فکر کنید و ببینید چه ارتباطی با افعالی که در طول شبانه روز انجام می‌دهید دارند. فعل‌هایی را همین‌جوری به خاطر بیاورید. دوییدن، دیدن، چشیدن، خوابیدن، راه رفتن، گفتن، کندن، دزدیدن، گردیدن و ... البته می‌دانم که در نگاه اول از خودتان می‌پرسید برخی از این افعال چه ربطی به امیال ما دارند! در اینجا از شما می‌خواهم ضمن به خاطر نگاه داشتن همین پرسش، فعلاً از آن عبور کنید تا برویم مرحله‌ی بعد. یعنی برویم ببینیم آن مرزی که بین اراده‌ی ما جهت انجام فعل و خود فعل ما هست، چیست؟ اینکه چقدر امکان دارد تا به خواسته‌هایمان برسیم؟ مثلاً وقتی می‌خواستیم پیتزا بخرم تا رفع گرسنگی بکنم، چه امکانی در اختیارم هست تا اینکار را انجام دهم و چه امکاناتی در اختیارم نیست؟ اما مگر بدون اینکه حق آزادی‌ای وجود داشته باشد تا من اجازه‌ی انجام فعلی را داشته باشم، چنین کاری امکان‌پذیر است؟ اگر من آن قدر اختیار نداشته باشم که بتوانم فعلی را انجام بدهم یا همه‌ی فعل‌های من، به نوعی از پیش انجام شده باشند، می‌توانم برای رفع نیازهایم برنامه‌ریزی کنم؟

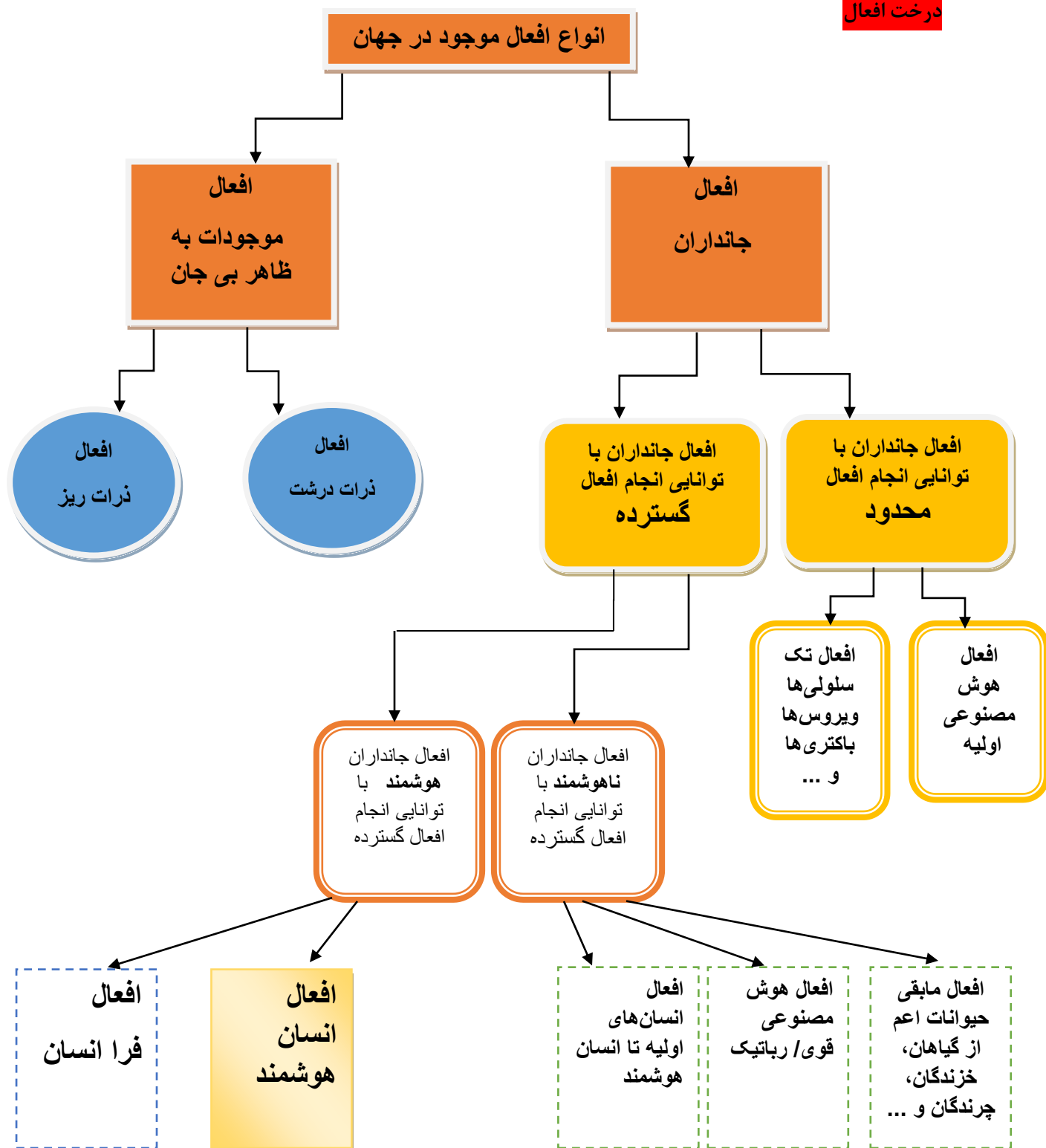
به این مرحله که وارد شویم، متوجه می‌شویم پرسش‌های بسیار دیگری به ذهنمان خطور می‌کند که اگر بخواهیم سراغشان برویم با جهانی خیلی شلوغ از سؤال‌های بی‌پاسخ روبه‌رو خواهیم شد. پیشنهاد ما این است که دقیقاً همین‌جا از خودمان بپرسیم مگر نه اینکه همه‌ی چیزهایی که ما می‌توانیم انجام بدهیم تا به خواسته‌هایمان برسیم و امیال و نیازهایمان را پاسخ بدهیم؛ به واسطه‌ی فعلی، امکان‌پذیر می‌شود؟ پس بهتر نیست که اول از هر چیز برویم ببینیم فعل چیست؟ ببینیم ما به چه چیزی می‌گوییم فعل و چند نوع و گونه از افعال در زندگی ما شکل زندگی ما را جهت می‌دهند؟

خب برای همراهی بیشتر و توضیح واضح‌تر شما را به دنیای دیگری می‌بریم. دنیایی که اسمش را درخت افعال گذاشته‌ایم. به درخت افعال سری بزنید و انواع فعل‌هایی که در طول شبانه روز انجام می‌دهید را با انواع افعال آن‌جا تطبیق بدهید.

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

درخت افعال



حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

همان‌طور که اول این مطلب اشاره شد، آن چیزی که پیش‌برنده‌ی حرکت‌های متعدد ما در زندگی است، امیال و نیازهای ما هستند. حالا که درخت افعال را جلوی چشممان گذاشتیم و دیدیم که چقدر معنای فعل در هر بخشی از طبیعت، شکل و شمایل خاص خودش را دارد؛ هم می‌توانیم احساس نزدیکی بیشتری با تمام موجودات اطرافمان اعم از موجودات جاندار و موجودات به ظاهر بی‌جان داشته باشیم و هم می‌توانیم بهتر و با نگاهی دقیق‌تر به فعل‌هایی که در طول روز انجام می‌دهیم فکر کنیم.

پرسش مهمی که بشر از ابتدای مواجهه با مسئله‌ی آزادی، ذهنش را درگیر آن کرده این نکته است که این فعل‌هایی را که ما در طول زندگی روزمره‌ی خودمان انجام می‌دهیم تا چه اندازه بر اساس جبر حاکم بر زندگی ماست و تا چه اندازه بر اساس اختیارمان؟ اندیشمندان زیادی هم در این رابطه حرف‌های گسترده و گاه متناقضی زده‌اند و هر کدامشان هم موضعی در این رابطه دارند و مطالبی را مطرح کرده‌اند ولی ما در "حزب ما" به شکلی دیگر به سراغ پاسخ این پرسش می‌رویم. به عبارتی در برابر این پرسش می‌توانیم بگوییم که ما تمام باورمان بر این است که فعل‌هایمان در حیطه‌ی "افعال انسان هوشمند" درخت افعال در نظر گرفته می‌شود و مسأله‌ی جبر و اختیار از منظر محض نظری مورد توجه ما نیست و ما می‌خواهیم به گونه‌ای دیگر به آن پردازیم. به عبارتی ما به عنوان انسان هوشمند، مفاهیمی چون جبر و اختیار را نوعی قرارداد خودمان با طبیعت و زندگی روزمره خویش در نظر می‌گیریم. بر اساس اعداد و ارقام مشاهده می‌کنیم که وقتی جامعه‌ای فرزندانش آموزش می‌بیند تا حقوق فردی دیگری را ضایع نکنند؛ آمار جرم در آن جامعه کاهش پیدا می‌کند و می‌بینیم در هر بستر اجتماعی که به پتانسیل‌های فردی انسان‌ها توجه بیشتری شود، آن افراد در همان جوامع موفق‌ترند و به نوعی، رفاهی نسبی‌تر در نسبت با باقی جوامع، نزد ایشان ایجاد می‌شود. لذا اگر این فرایندی که توضیح داده شد هم فرایندی جبری باشد؛ ما قائلیم حق انتخاب داریم که خرابی را انتخاب کنیم یا آبادی را. آموزش و تعلیم و تربیت حقوق بشری را آموزش دهیم یا بی‌توجهی و بی‌ملاحظه‌گی به طبیعت و انسان و آبادی را ترویج کنیم. در مورد افعالمان هم همین‌طور است. اگر به موضوع قبلی که افعال ما بودند بازگردیم و به یاد بیاوریم که این افعال ما هستند که ما را به سمت تامین امیال و نیازهایمان سوق می‌دهند؛ متوجه می‌شویم که ما ضرورتاً باید یک اراده‌ی آزاد داشته باشیم تا انتخاب کنیم کدام نوع فعل را به صلاح خود و خانواده خود و جامعه و محیط اطراف خود و شهر و کشور خود می‌دانیم. آزادی برای ما، داشتن حق انتخاب بین افعال متعددی است که در طول زندگی روزمره با آن‌ها درگیریم و آزادی برای ما یعنی انتخاب اینکه خرابی را و مسیر افزون کردن خرابی را انتخاب کنیم یا آبادی را و مسیر افزون کردن آبادی را. اینکه هر فرد و انسان هوشمند در جامعه‌ی انسانی، این

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

حق "آزاد بودن" را در درون خودش احساس کند و با این احساس به انجام افعال روزمره‌اش بپردازد، او به واقع و در باور ما فردی آزاد است. شاید این و تا همین اندازه در ذهن خودتان که به این موضوع فکر می‌کنید؛ به خود بگویید اگر برای کسی که افعالی را در طول عمرش انجام می‌دهد، معنای آزادی برایش بی حد و اندازه باشد و هر کسی بتواند هر کاری بکند و هر فردی بتواند دیگری را با اراده‌ی آزاد خود از بین ببرد و همه‌ی آن کارها را هم به نام آبادی و رشد مرتکب شود و از آن بدتر، همه‌ی این‌ها را هم آموزش بدهد، آیا آزادی با چنین پیش‌فرضی، چیز خطرناکی نیست؟! پاسخ ما و شما در همین‌جا "بلی" است و شک نکنید که درست حدس زده‌اید. این فرآیند بدون توضیحات دیگر همان چیزی را خواهد ساخت که شما در ذهنتان آفریدید، واقعاً "آزادی" حد ندارد و وقتی از آزادی صحبت می‌کنیم از آزادی به معنای مطلق آن حرف می‌زنیم. اما مطمئنیم شما می‌دانید که ما در "حزب ما" از آشوب و آنارشیسم دفاع نخواهیم کرد. برای توضیح بیشتر دعوت می‌کنیم تا به ادامه‌ی مطلب بپردازید.

برای ساده کردن موضوع و در یک تقسیم بندی دیگر که برای افعال می‌توانیم در نظر بگیریم، می‌توانیم افعال نزد انسان هوشمند را به دو گونه‌ی رسمی افعال زیستی_بدنی و افعال اخلاقی_عقلانی تقسیم بندی کنیم.

گروه اول را که به نام افعال زیستی_بدنی نامگذاری کردیم، افعالی هستند که شبیه باقی انواع فعل‌ها در درخت افعال در زندگی ما حضور دارند. لذا انسان هوشمند هم با آن‌ها، به همان شکلی روبه‌رو است که باقی موجودات اعم از جاندار و بی جان با آن روبه‌رو هستند. این نوع از افعال به احتمال زیاد معنای جبری تری دارند و ربطی به قوه‌ی انتخاب و اختیار انسان ندارند و از پیش تعیین شده هستند. به عبارتی دیگر، افعال زیستی_بدنی برآمده از بخش انفعالی زندگی انسان هوشمند در طبیعتند. مثلاً وقتی ما گرسنه می‌شویم و می‌خواهیم خودمان را سیر کنیم؛ فعل برآمده از میل ما برای به سیری رسیدن و یا فعلی برآمده از نیازمان جهت رفع گرسنگی، از جنس فعلی متصل به اراده‌ی انتخابی و آزاد ما نیست. هر انسان گرسنه ای برای سیری خود مثل هر جانور مشابهی تلاش می‌کند. به شکلی ساده می‌دانیم که ما پیش از اینکه انتخاب کنیم که می‌خواهیم گرسنه شویم یا نه، گرسنه می‌شویم. در مثال دیگری می‌توان به یاد آورد که وقتی ما بر روی کره‌ی زمین راه می‌رویم و میزان نیروی جاذبه ای که از جانب زمین بر بدن ما تحمیل می‌شود، این نیرو در برابر موجوداتی که تحت تاثیرش قرار می‌گیرند، فرقی بین سنگ و درخت و انسان قائل نمی‌شود. نیروی فوق همه را در یک سطح مورد قضاوت قرار می‌دهد. سنگ و درخت و انسان هم بدون اینکه حتی آگاهی از این نیرو داشته باشند، ابعاد بدنشان و نوع پیوستگی بافت‌های بدنشان مطابق با آن نیرو و مطابق با یک سری قواعد از پیش تعیین شده‌ی دیگر که شاید

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

روزی علم بداند چیستند، تنظیم شده است؛ بدون اینکه اندکی بر نوع عمل خود در نسبت با آن آگاهی داشته باشند.

اما گروه دوم که افعال اخلاقی_عقلانی ما هستند، گروه بسیار مهمی از انواع افعال انسان هوشمند در نظر گرفته می‌شوند که در کمتر جانوری این نوع از افعال وجود دارند یا ما کمتر از وجود این نوع افعال در نزد باقی جانوران باخبریم. این نوع افعال که می‌توانیم به دوگروه مجزای افعال عقلانی و افعال اخلاقی تقسیم بندیشان کنیم؛ مستقیماً به آگاهی ما از امور زیستی و بدن ما مربوطند. یعنی در لحظه به لحظه ای که ما در طبیعت مشغول رفتارهای روزمره‌ی خودمان هستیم یا در جامعه در حال مراوده با پیرامونمان هستیم؛ بسیاری از فعل‌های ما از چنین جنسی برخوردارند. یعنی ما باید برای فعلی که می‌خواهیم انجامش بدهیم مدام دلیل بیاوریم که چرا انجام این فعل یا انجام ندادنش ضرورت دارد! در مورد امور عقلانی الزامی ندارد که به بعد اخلاقی فعل نگاه بیندازیم مثلاً وقتی قرار است تصمیم بگیریم که شیشه‌ی پنجره‌ی اتاقمان را دوجداره کنیم تا از اتلاف انرژی جلوگیری کند، هیچ‌یک از افراد به ابعاد اخلاقی عمل فوق‌نگاهی نینداخته و تصمیم می‌گیرند که این فعل را انجام بدهند یا وقتی می‌خواهیم برویم از بیرون از خانه آذوقه‌ای را تهیه کنیم؛ در نسبت با میزان موجودی توی جیبمان محاسبه‌ی دلیل‌مندی می‌کنیم و خودمان را که قانع کرده و خرید را بر اساس بودجه‌ی دم دستمان انجام می‌دهیم.

در بعد اعمال محض اخلاقی کمی داستان فرق می‌کند. با یک سری مثال می‌توان گفت که همه‌ی ما با موضوعاتی مثل قتل، تملک مال غیر، دزدی، تجاوز، همیاری، از خودگذشتگی، بخشش و غیره در زندگی روزمره مان روبه‌رو شده ایم و بخشی از این نوع افعال ما را درگیر کرده اند؛ اینکه در لحظه‌ی تصمیم باید چه بکنیم و کدام نوع از این افعال را انتخاب کنیم. عموماً تصمیم گرفتن در رابطه با این جنس از افعال بسیار سخت است. آن قدر سخت که حتی شاید این نوع از افعال برای به نتیجه رسیدنشان باعث بشوند افعال عادی روزمره که بسیار بدیهی و تکراری بودند را نیز معلق کنند.

بهتر این است که این‌جای کلام به جای توضیح بیشتر دعوتان کنیم یکبار دیگر نگاهی اجمالی به همه‌ی آنچه تا کنون گفته شد، بیندازید. اول در مورد آزادی حرف زدیم و بعد رسیدیم به درخت افعال و بعد تقسیم بندی دیگری برای افعال قائل شدیم و آخر ماجرا هم به صورتی خیلی اجمالی اعمال زیستی_بدنی را از اعمال اخلاقی_عقلانی جدا کریم و در همان اعمال اخلاقی_عقلانی هم دیدیم که اختلافی نیز بین اعمال و افعال عقلانی با اعمال اخلاقی وجود دارد. به نظر می‌رسد حالا پس از این مسیری که طی کردیم باید از خودمان

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

بپرسیم اگر "آزادی" نباشد و هر فرد ما، در لحظه‌ی انجام فعلش فرض نگیرد که آزاد است؛ دیگر ما می‌توانیم از فعلی که بر آمده از اراده‌ی فردی است صحبتی بکنیم؟ اگر فرض بگیریم که همه چیز از پیش تعیین شده است، آیا می‌توانیم کسی را که در حال انجام فعلی است مسئول فعلش بدانیم؟ در چنان وضعی که هیچ فردی دیگر مسئول فعلش نباشد، چه قاتل و چه مقتول هر دو، دو طرف یک سناریوی از پیش تعیین شده قرار خواهند گرفت و تمام قضاوت‌های ما در زندگی روزمره تعطیل خواهد شد و حتی اینکه تصمیم بگیریم که قضاوتی نکنیم هم برآمده از یک اراده‌ی آزادی است و آن هم معلق خواهد شد و حتی نخواهیم فهمید که آیا ما مجبوریم یا مختار؟ کمی به معنایی که "فعل" در زندگی شما بازی می‌کند فکر کنید. بین انجام فعل و داشتن اراده‌ی آزاد ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. ما نمی‌توانیم فعلی را انجام دهیم و اگر و تنها اگر خودمان را آزاد فرض نکرده باشیم. انسان آزاد، ضرورتاً، انسان مسئولیت پذیر هم هست. بر خلاف تصور عامه که فکر می‌کنند اجرای آزادی در جامعه هرج و مرج می‌آورد، می‌بینیم که درک معنای آزادی و اجرای آن برای تک تک افراد ساکن در جامعه مسئولیت به همراه خواهد داشت. فردی که خواسته است و اراده کرده است تا سرزمینی را خراب کند، مسئول خرابی آن سرزمین است و بالعکس کسی که برای آبادی سرزمینی تلاش می‌کند، مسئول آبادی همان سرزمین است. بین وجود اراده‌ی آزاد نزد تک تک افراد ساکن در جامعه و مسئولیتی که بر دوش آن‌ها نهفته می‌شود، ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ یعنی هر چه در جامعه ای حدهای آزادی کمتر، مسئولیت افراد آن جامعه بیشتر خواهد شد. اما چگونه می‌توان بین این معنای آزادی و معنای دیگر از آزادی که تصویری از یک جامعه‌ی آنارشستی را به ذهن متبادر می‌کند، فرق گذاشت؟ چند پاراگراف بالاتر از آزادی مطلق حرف زدیم و اینکه اگر فرد خود را مطلق آزاد نیند، اساساً نمی‌تواند فعلی انجام بدهد و اگر مطلقاً هر فرد آزاد باشد می‌تواند هر بلایی سر یکایک افراد اطرافش در بیاورد و حالا در چند جمله قبل مشاهده می‌کنیم که درک معنای عمیق و عقلانی برای بودن آزادی به عنوان پیشفرض انجام هر فعلی، فرد فاعل را ناخواسته مسئول انجام فعلش خواهد کرد، یعنی افراد آزاد به نوعی افرادی واجد مسئولیت‌های بیشتری هستند. در چنین شرایطی از سویی "آزادی" نه تنها دیگر یک ارزش نخواهد بود؛ بلکه تبدیل به یک ضد ارزش می‌شود و برای افراد ساکن در جامعه تولید خطر می‌کند، از سویی دیگر جامعه‌ی مسئولیت پذیر اساساً جامعه‌ی آزاد است، و آزادی است که مسئولیت پذیری در قبال فعل افراد را به همراه خواهد آورد.

حال و در این حالت باید پرسید که این معادله چه‌طور حل می‌شود؟

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

چیستی و چرایی آزادی-عدالت:

توجه به مسئله‌ی "آزادی" سال‌هاست که در جوامع آزاد راهگشای بحران‌های موجود در دل همان جوامع نبوده است و نیست. ارگانیزیشن‌ها و سازمان‌های اجتماعی که بر مبنای این محتوا خودشان را سازمان‌دهی کرده‌اند متوجه ناکارآمدی سازوکارهای اجرایی در همان جوامع شده‌اند، همان‌طور که سازمان‌ها و ارگانیزیشن‌های جوامع درگیر "عدالت" با بحران‌هایی در خود روبه‌رو شده‌اند. جوامعی که بر مبنای "عدالت" ساختار اجتماعی خود را تدوین کرده‌اند، درگیر مسئله‌ای شدند که ارزش والا قائل شدند برای منافع عمومی جامعه، توانایی‌ها و شکوفایی‌های فردی و خلاقیت‌های شخص را نادیده می‌گرفتند و آن قدر درگیر یک کل ساخته شده در بیرون بودند که توان توجه به فرد و پتانسیل‌های شخصی آدم‌ها را نداشتند و نهایت توجه ایشان در راستای نفعی عمومی بود که ایشان آن نفع را به عنوان یک خیر عمومی در نظر می‌گرفتند. این بحران نظری تا حدی گسترده شد که خشونت دولتی جای معنای دولت کارآمد را گرفت و دولت‌ها دیگر مستخدم و برآورده‌کننده‌ی نیازهای جامعه و مطالبات مردم نبودند، بلکه دولت به عنوان نماینده‌ی حافظ یک ایده‌ی عدالت_محور، افراد را به مرحله‌ای از نادیده گرفتن حقوق فردی خویش سوق می‌داد که دیگر نه فردی اهمیت داشت و نه کرامتی از انسان. اما عدالت یک معنا و یک تعریف واحد ندارد و با مرور زمان، بحث‌های گسترده‌ای در این رابطه انجام شده است که می‌توان به طور خلاصه آن‌ها را هم اینجا و برای اطلاعات عمومی شما مطرح کرد و شرح داد که اتفاقاً توجه به معنایی از "عدالت" چطور می‌تواند گره‌گشای بحران تفسیری معنای "آزادی" قرار بگیرد و بالعکس.

جهت خواندن ادامه‌ی مطلب به مبحث "عدالت" مراجعه کنید.

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت